

# ایینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره پنجم  
آذر دی ماه ۱۴۰۳  
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و  
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۹

۲۰۹

دوماهنامه  
آینه پژوهش

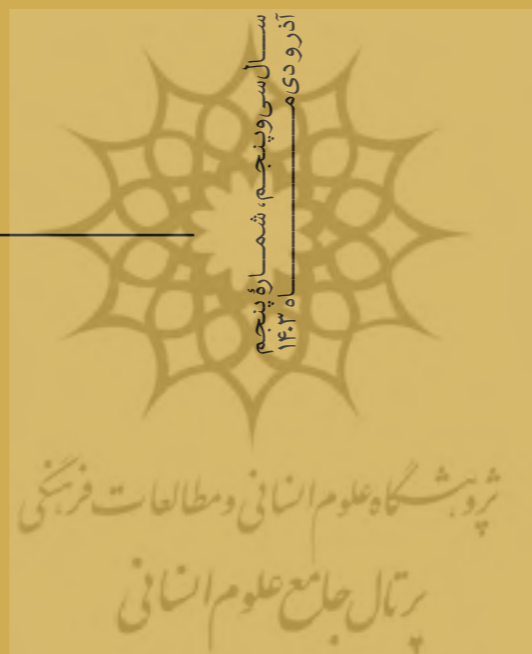
## Ayeneh-ye- Pazhooresh

Vol.35, No.5 Dec 2024 - Jan 2025

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

### 209

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture



چاپ نوشت (۱۶) | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۲۱) | کرامات و احوالات  
غریبه | امکان سنجی استفاده نفسییر عیاشی از کتاب القراءات سیاری |  
سفرنامه های به زبان اردو درباره ایران | آینه های شکسته (۶) | چند اطلاع  
تراثی درباره حیات علمی عالم و ادیب امامی | اشعار تازه یاب از شاعران  
دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر (۲) | برهان المسلمین | پیک  
معتمد | نامه ای از محقق طوسی و بحثی لغوی درباره یک عبارت |  
خراسانیات (۲) | یادداشت های لغوی و ادبی (۲) | نقد تصحیح دیوان امیر  
عارف چلبی | طومار (۸) | تکملة اللطائف و نزهة الطرائف (متنی فارسی از  
سده ۵ ق) | گشت و گذاری در «میراث ادیبان شیعه» | طلوع و غروب یک  
نشریه | نگاهی انتقادی به کتاب الفصوص فی علم النحو و تطبیق  
قواعد علی النصوص | **نکته، حاشیه، یادداشت**

**پیوست آینه پژوهش** | سبک کار مورخان حرفه ای در تاریخ نگاری اسلامی پیش از عصر تألیف

مجدد جلیسه | مرتضی کریمی نیا |  
رسول جعفریان | امیرحسین  
خوردوش | ایلا عبیدی | حیدر  
عیوضی | رسول جزینی | زقیه  
فراهانی | امیرحسین آقامحمدی |  
سیدمحمدحسین | میرفخرزایی |  
امیدحسین نژاد | آریا طیب زاده |  
میلاذ بیگلر | سیدعلی  
میرافقلسی | علی زاد | بهروز  
ایمانی | پرینسا سنجابی |  
مردم شیرازی | جواد آسده | علیرضا  
خرایی | آریا طیب زاده |  
سپهر رمضانپور | اصفهانی



پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش  
Jap.isca.ac.ir

# امکان سنجی استفاده تفسیر عیاشی از کتاب القراءات سیاری

امیرحسین خورش

| ۱۲۷-۱۴۶ |

۱۲۷

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

چکیده: کتاب القراءات سیاری و تفسیر عیاشی از جمله مصادر متقدم حدیثی شیعی به شمار می‌آیند که روایات فراوانی در موضوع اختلاف قرائات قرآنی و «تحریف» قرآن در بردارند؛ در این میان تفسیر عیاشی در روزگاری دچار حذف اسناد شده و این امر امکان حدس‌های گوناگون درباره تکمیل اسناد و بازیابی مصادر آن را به وجود آورده است. روایات کتاب القراءات و تفسیر عیاشی در سده اخیر مورد انتقاد برخی از عالمان از جمله علامه عسکری قرار گرفته و انتقادهای متنی، اسنادی متوجه آنها شده است؛ از جمله این انتقادهای آن بود که بسیاری از روایات عیاشی در موضوع قرائات و «تحریف» در حقیقت از کتاب القراءات سیاری گرفته شده که حذف اسناد موجب مخفی شدن این امر شده و بر این اساس، ضعف رجالی سیاری به روایات عیاشی تسری پیدا می‌کند. بررسی این موضوع می‌تواند به شناخت ریشه‌های بخش مهمی از روایات و دیدگاه‌های تفسیری عیاشی بینجامد. به نظر می‌رسد به دلیل برخی تفاوت‌های اسنادی و زیادات متنی در روایات عیاشی و شواهد بی‌ارتباطی حوزه حدیثی این دو و نبود نقلی از سیاری در دیگر میراث عیاشی، فرضیه اثرپذیری عیاشی از سیاری پذیرفتنی نباشد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر عیاشی، کتاب القراءات سیاری، تحریف قرآن، اختلاف قراءات، القرآن الکریم و معالم المدرستین علامه عسکری.

Feasibility of Utilizing al-'Ayāshī's Tafsir from Book al-Qirā'at by al-Sayyārī  
Amir Hossein Khorvash

**Abstract:** The book *al-Qirā'at* by al-Sayyārī and *al-'Ayāshī's Tafsir* are among the early Shiite Hadith sources that contain numerous narrations regarding the differences in Qurānic readings and the topic of the "alteration" (tahreef) of the Quran. In this context, *al-'Ayāshī's Tafsir* has been subject to some loss of chain of transmission (isnad) over time, which has led to various speculations about reconstructing and recovering the sources. In the last century, the narrations found in *al-Qirā'at* and *al-'Ayāshī's Tafsir* have been critiqued by scholars, including Allama Asgari, particularly regarding textual and isnadic issues. One major criticism is that many of al-'Ayāshī's narrations related to Qurānic readings and "alteration" have been derived from *al-Qirā'at al-Sayyārī*, and the loss of isnad in al-'Ayāshī's work obscured this connection, thereby leading to weaknesses in the isnad of his narrations. Investigating this matter could lead to a deeper understanding of the roots of a significant portion of al-'Ayāshī's narrations and exegesis. However, due to certain isnadic differences, additional textual variations in al-'Ayāshī's narrations, and the absence of any references to *al-Qirā'at al-Sayyārī* in the text of al-'Ayāshī's corpus, the hypothesis that al-'Ayāshī was influenced by *al-Qirā'at al-Sayyārī* seems unlikely.

**Keywords:** Tafsir al-'Ayāshī, *al-Qirā'at al-Sayyārī*, Alteration of the Quran, Differences in Qurānic Readings, *al-Quran Al-Karim* and *Ma'alim Al-Madrastayn* by Allama Asgari.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## درآمد

از دیرباز در میان شیعه بحث‌هایی درباره روایات تحریف و اختلاف قرائات مطرح بوده است؛ از سویی عالمانی چون علی بن ابراهیم قمی، ابوجعفر کلینی - در «باب فیہ نُکْتُ وَتُنْتُ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ» (کلینی، الکافی، ۳۶۲/۲) -، و ابونضر عیاشی به نقل روایاتی روی آورده‌اند که مؤید «تحریف» قرآن قلمداد شده است. از سویی دیگری برخی از عالمان شیعی به نقد آموزه «تحریف» پرداخته‌اند.

از جمله کهن‌ترین انتقادهای درون‌شیعی نسبت به بحث «تحریف»، سخن ابن بابویه (د. ۳۸۱ ق) است. وی که خود در پذیرش اختلاف قرائات اشکالی نمی‌دید (نمونه: ابن بابویه، الفقیه، ۲۶/۴؛ عیون أخبار الرضا، ۲۳۱/۱؛ ۲۸۱/۲) و حتی از او نقل شده که درباره «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ» (الأعراف: ۱۵۴) گفته است: «هو مما حُرِّفَ لِأَنَّهُ نَزَلَ: «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ» بالنون... وقد صحَّ عندنا ذلك عن الصادق» (ابوحیان توحیدی، أخلاق الوزیرین، ۲۵۴/۱). در روزگاری که هنوز قرائت واحدی چون عاصم به روایت حفص رسمی نشده بود و انواع قرائات عثمانی رواج داشت، اما قرائات منتسب به دیگر صحابه در نماز خوانده نمی‌شد. تأکید می‌کند که قرآنی که خداوند بر پیامبر (ص) نازل کرده همان «ما بین الدفتین» است و همان چیزی است که دست مردم است و چیز بیشتری ندارد (ابن بابویه، الاعتقادات، ۸۴).

پس از ابن بابویه نیز در میان عالمان شیعی، مواضع تنیدی نسبت به «تحریف» قرآن مطرح شده که در این میان می‌توان به مواضع شریف مرتضی (د. ۴۳۶ ق)، شیخ طوسی (د. ۴۶۰ ق)، و طبرسی (د. ۵۴۸ ق) اشاره کرد. این عالمان نیز با وجود آنکه اصل اختلاف قرائات و حتی گاه قرائات شاذ را پذیرفته بودند (برای نمونه: شریف مرتضی، أمالی المرتضی، ۴/۱، ۱۰۷، ۲۰۶؛ کریمی‌نیا، «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن»، ۶-۷) و گاه حتی قرائات منتسب به امامان (ع) را به نحو گسترده‌ای گزارش داده بودند (دیاری بیگدلی و نوری، «قرائات منسوب به اهل بیت (ع) در مجمع البیان»، ۸۴-۸۵)، مواضع صریحی درباره «تحریف» قرآن می‌گرفتند (نگر: موسوی دارابی، النصّ الخالد، ۷۶-۸۰).

تا امروزه نیز به نظر می‌رسد که شیعه و اهل سنت معیار روشن و مورد اتّفاقی برای تمییز روایات «تحریف» از اختلاف قرائات ارائه نکرده‌اند، اما شاید بتوان چنین انگاشت که در

نگاه برخی از مفسران شیعه و عامه از حدود قرن پنجم به بعد آن قراءاتی، «تحریف» به شمار می‌آید که آشکارا مضامین شیعی داشته و یا فاصله قابل توجهی با سیاهه مصاحف عثمانی داشته باشد؛ بر همین اساس، بسیاری از گزارش‌هایی که پیش از این، مرتبط با «قراءات» صحابه دانسته می‌شده، از آن پس، یا با عنوان «تحریف» کنار گذاشته می‌شد و یا با عنوان «قراءات تفسیری»، نامرتب با متن قرآنی تلقی می‌شد؛ با این حال، برخی نیز چاره را در آن دیدند که بدون بیان روشنی در ملاک تمییز «تحریف» از «قراءت»، گشاددستانه در صدور عمده روایات منتسب به اهل بیت (ع) در این دو موضوع تردید کنند.

بیشینه روایات مرتبط با «تحریف» و اختلاف قراءات - در میان منابع در دست شیعی - در کتاب القراءات احمد بن محمد بن محمد سیاری، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، تفسیر عیاشی، مجمع البیان، و باب نکت و نطف الکافی به چشم می‌خورد که تقریباً همگی این روایات شیعی در فصل الخطاب محدث نوری گردآمده است. بخشی از دفاع‌هایی که از «تحریف» ناپذیری قرآن شده نیز، همواره نقد این روایات و گاه نقد اعتبار کلی برخی از این منابع بوده و به ویژه گاه در اثرپذیری برخی از روایات این منابع از مصادر عامه و نیز از استقلال این منابع از یکدیگر بحث شده است.

از جمله منتقدین شناخته شده این روایات در دوران معاصر، علامه سیدمرتضی عسکری است. وی که درصدد نقد چنین روایاتی بوده، در فصل مستقلی از القرآن الکریم وروایات المدرستین به نقد متنی و سندی آن‌ها پرداخته است (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۳/ ۲۳۳-۸۴۷)؛ از جمله شیوه‌های انتقادی که وی در بحث‌هایش بر آن تأکید دارد بازگرداندن روایات این مصادر به روایت واحد و آن‌گاه نقد آن روایت واحد است؛ از جمله مصادیق این بحث در تحقیق علامه عسکری، آن است که روایات مرسل تفسیر عیاشی را برگرفته از کتاب القراءات سیاری می‌داند (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۳/ ۲۲۶).

امید پیشگر و عبدالرضا زاهدی در مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر العیاشی و آثار شیخ صدوق بر محور اسانید» (علوم حدیث، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۶ش) تلاش کرده‌اند که سند ۲۱ روایت از تفسیر عیاشی را بر اساس روایات شیخ صدوق از عیاشی بازبایی کنند و با یافتن ۱۱۰ روایت از تفسیر عیاشی که صدوق آن‌ها را از غیر عیاشی روایت کرده، به این روایات اعتباربخشی کنند.

همچنین سید کاظم طباطبایی و طاهره رضی در مقاله «تفسیر عیاشی و بازیابی اسانید روایات آن در شواهد التنزیل» (مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۹، بهار ۱۳۸۵ ش) کوشیده‌اند نشان دهند که از میان ۳۳ روایتی که حاکم حسکانی در شواهد التنزیل از تفسیر عیاشی نقل کرده، ۱۳ روایت به بخش مفقوده تفسیر مرتبط است و تنها اسانید ۱۴ روایت از بخش موجود تفسیر عیاشی که اسانیدش حذف شده، می‌تواند با شواهد التنزیل بازیابی شود.

محققان تفسیر عیاشی (تحقیق مؤسسه بعثت) نیز در جلد سوم تحقیق‌شان در بخش «المستدرک» روایاتی از بخش مفقود تفسیر عیاشی را بازسازی کرده و در بخش «اسانید العیاشی» - بر اساس روایات مسند عیاشی در دیگر منابع - پیشنهادهایی برای تکمیل اسناد تفسیر عیاشی ارائه کرده‌اند؛ با این حال، تاکنون پژوهشی یافت نشد که مستقلاً به بررسی امکان روایت‌گری تفسیر عیاشی از کتاب القراءات سیاری - و به تبع آن، امکان بازسازی اسناد ده‌ها روایت از این تفسیر بر اساس کتاب القراءات - پرداخته باشد. در این جستار بر اساس ارزیابی شواهد درون این تفسیر و مقایسه آن با کتاب القراءات و نیز شواهد خارج از این دو کتاب، به این مسئله پرداخته خواهد شد.

## بیان مسئله

تفسیر عیاشی به صورت کامل به دست ما نرسیده است. نسخه در دست ما از طرفی تنها شامل سوره حمد تا سوره کهف می‌شود و از طرف دیگر اسناد آن در روزگاری توسط ناسخی حذف شده و معمولاً در این کتاب هر حدیث با نام راوی آخر آن آغاز می‌شود. ناسخی که این اسانید را حذف کرده، در مقدمه تفسیر عیاشی دلیل این کارش را چنین توضیح داده است:

قال العبد الفقير إلى الله رحمة الله إني أمعنت النظر في التفسير الذي صنفه أبو النضر محمد بن مسعود بن محمد بن عيَّاش السلمي بإسناده ورغبت باستنساخه وطلبت من عنده سماع من المصنّف أو غيره فلم أجد في ديارنا من كان عنده سماع أو إجازة منه فحينئذٍ حذفته منه الإسناد وكتبت الباقي على وجهه ليكون أسهل على الكاتب والناظر فيه فإن وجدت بعد ذلك من عنده سماع أو إجازة من المصنّف أتبعته الأسانيد وكتبتها على ما ذكره المصنّف (عیاشی، تفسیر العیاشی، مقدمه ناسخ، ۷۴/۱).

این حذف اسانید، موجب شده که گاه گمانه‌زنی‌هایی درباره تکمیل این اسناد مطرح شود و با تطبیق متن روایات این تفسیر با روایات دیگر، برخی از مصادر این کتاب تعیین شود؛ به عنوان نمونه، با مراجعه به الکافی نوشته کلینی - محدث معاصر عیاشی - دیده می‌شود که در تحقیق دارالحدیث از این کتاب در تخریح بیش از هفتصد روایت از آن به تفسیر عیاشی ارجاع داده شده است؛ بر این اساس، ممکن است با پژوهشی در این اسناد و توجه به احادیثی که مشابهت متنی بالایی میان این دو کتاب دارند، مصدر احتمالی تفسیر عیاشی در بسیاری از آن‌ها معلوم شود.

همچنین بسیاری از روایات تفسیر عیاشی در موضوع «تحریف» و قرائات، مشابهت متنی قابل توجهی با کتاب القراءات سیاری دارد که موجب شده برخی این گمانه را مطرح کنند که منبع تفسیر عیاشی در این روایات مستقیماً خود کتاب سیاری است. علامه عسکری (د. ۱۴۲۸ق) در این باره می‌گوید: «تفسیر العیاشی والذي حذف منه الناسخ أسناد الروایات لغرض الاختصار ووجدنا فيها روایات كثيرة من كتاب قراءات السیاری الغالی الكذاب مع حذف اسمه واسم كتابه» (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۳/۲۲۶). وی همچنین در مواضع متعددی در مقام نقد اسناد چنین روایاتی گفته که سند روایت عیاشی محذوف است و همان روایت سیاری است و عیاشی آن را از سیاری گرفته است (نمونه: عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۳/۲۴۰، ۲۶۷، ۲۷۱) و چنین نقدی در کتاب او بیش از چهل مرتبه تکرار شده است.

همچنین در دانشنامه جهان اسلام به تبع علامه عسکری گفته شده: «از مقایسه روایات دال بر وقوع تحریف در قرآن کریم در تفسیر عیاشی با نسخه خطی قرائات احمد بن محمد سیاری بر می‌آید که این اثر، منبع عیاشی در نقل روایات بوده است» (رحمتی، «تفسیر عیاشی»، ۷۰۴). پیش از علامه عسکری نیز چنین ایده‌ای از سوی برخی از عالمان مطرح شده است؛ به عنوان نمونه، سید محسن امین (د. ۱۳۷۱ق) درباره کتاب القراءات سیاری می‌گوید: «أكثر رواياته موجودة في تفسير العیاشی، بل لا یبعد أخذه منه إلا أنه لم یصل إلینا سند الأخبار المودعة في تفسیره لحذف بعض النسخ له» (امین، أعیان الشیعة، ۳/۱۱۷).

پیشتر از امین و عسکری نیز، محدث نوری (د. ۱۳۲۰ق) به فرض اخذ عیاشی از کتاب القراءات اشاره کرده است: «ومما یؤید الاعتماد علی روایات خصوص کتاب قراءاته - وإن قلنا بفساد مذهبه... مطابقة أكثر روایات العیاشی لما فیہ، بل لا یبعد أخذه منه. إلا أنه

لم يصل إلينا سند الأخبار المودعة في تفسيره لحذف بعض النساخ...» (نوری، فصل الخطاب، ۵۸۶).

با توجه به اینکه سیاری از سوی رجالیان امامی تضعیف شده<sup>۱</sup> (شوشتری، قاموس الرجال، ۱/ ۶۰۸)، اگر فرض برگرفته بودن روایات عیاشی از کتاب القراءات سیاری ثابت شود، می‌تواند از سویی از ارزش روایات عیاشی در این موضوع بکاهد و پذیرش منفرد بودن برخی از این روایات را آسان کند و از سوی دیگر نشان‌دهنده اعتماد عیاشی به کتاب سیاری باشد. هرچند پس از آن لازم است از میزان اهمیت چنین اعتمادی سخن رود، اما اگر این فرض رد شود و مصدر تفسیر عیاشی مستقل از کتاب القراءات سیاری دانسته شود، می‌تواند به معنای منفرد نبودن سیاری در این روایات باشد و به پذیرش صدق سیاری در نقل این روایات - و نه لزوماً اعتبار منابع او - کمک کند.

#### ۱. مشابهت‌های کتاب القراءات و تفسیر عیاشی

مشابهت متنی روایات عیاشی با سیاری - افزون بر علامه عسکری - مورد توجه مصححان کتاب القراءات - اتان کلبی و محمد علی امیرمعزی - قرار گرفته است. ایشان در مقدمه تصحیح‌شان توضیح داده‌اند که تنها نیمه نخست تفسیر عیاشی (تا سوره کهف) باقی مانده و این نیمه شامل هشتاد روایت می‌شود که با کتاب القراءات مشترک است و انتظار می‌رود در نیمه از بین رفته نیز حدوداً همین مقدار باشد و عیاشی نیز یک نسل از سیاری جوان‌تر است و محتمل است روایات مشترک را عیاشی از سیاری گرفته باشد یا هر دو از منبع مشترکی استفاده کرده باشند (سیاری، کتاب القراءات، مقدمه مصححان، ۴۵).

۱. لازم به ذکر است که سیاری در تمامی اصول ششگانه رجالی شیعه، مدخل شده و محمد بن علی بن محبوب، ابن ولید، ابن بابویه، ابن نوح، حسین بن عبید الله غضائری، احمد بن حسین غضائری، نجاشی، و شیخ طوسی به بیان خدشه‌هایی در صحت مذهب او، یا در پیراستگی میراث حدیثی او پرداخته‌اند، لکن در هیچ‌یک از تضعیف‌های ایشان اشاره‌ای به جعل حدیث و کذب درباره سیاری نشده و تعبیری چون «کذاب»، «وَضَاع»، و «یضع الحدیث» برای او به کار برده نشده است؛ با این حال، برخی از معاصران، بدون ارائه دلیلی روشن - صریحاً سیاری را متهم به کذب کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، علامه عسکری درباره او می‌گوید: «السیاری الغالی الکذاب»، «السیاری المخلوق الکذاب»، «السیاری الغالی المفتري»، «ونرى السیاری الغالی نقل القراءه من مدرسه الخلفاء وركب علیها سنداً وافتري بها»، «السیاری الغالی الذی یختمق ما یراه، ویركب علیه سنداً ویفتري به علی من یشاء من أئمة أهل البيت علیهم السلام» (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۲۲۶/۳، ۵۰۷، ۷۱۷، ۴۰۷، ۵۸۵).



نمونه‌هایی از نزدیک‌ترین مشابهت‌های متنی کتاب القراءات و تفسیر عیاشی در ادامه می‌آید:

تفسیر عیاشی	کتاب القراءات سیاری
۸۰ قال الحسن بن خُزَّاد وروي عن أبي عبد الله (ع) قال إذا أمَّ الرجل القوم جاء شيطان إلى الشيطان الذي هو قرين الإمام، فيقول: هل ذكر الله؟ يعني هل قرأ بسم الله الرحمن الرحيم؟ فإن قال: نعم هرب منه، وإن قال: لا ركب عنق الإمام ودلّى رجله في صدره، فلم يزل الشيطان إمام القوم حتى يفرغوا من صلاتهم (۱۰۰/۱).	۲۳ سهل بن زياد، عمّن أخبره، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا أمَّ الرجل قومًا جاء شيطان إلى الشيطان الذي هو قرين الإمام فيقول: هل ذكر الله، يعني هل قرأ بسم الله الرحمن الرحيم؟ فإن قال: نعم، هرب منه وإن قال: لا، ركب عنق الإمام ودلّى رجله في صدره فلم يزل الشيطان إمام القوم حتى يفرغوا من صلاتهم (۱۱).
۲۵۳۰ عن زرارة عن أحدهما (ع) قال في بسم الله الرحمن الرحيم قال: هو أحقُّ فأجهر به وهي الآية التي قال الله «وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده بسم الله الرحمن الرحيم «ولوا على أديبارهم نفوراً» كان المشركون يستمعون إلى قراءة النبي (ص)، فإذا قرأ بسم الله الرحمن الرحيم نفروا وذهبوا، فإذا فرغ منه عادوا وتسمّعوا (۵۶/۳).	۲۴ البرقي، عن ابن أبي عمير، عن ابن أذينة، عن زرارة وفضل، عن أحدهما قال في بسم الله الرحمن الرحيم: هي أحقُّ ما أجهر به وهي الآية التي قال الله عزَّ وجلَّ (فيها)، وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّاعِلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا [۴۶: ۱۷] قال: كان المشركون يستمعون إلى قراءة رسول الله صلى الله عليه وآله فإذا بدأ فقرأها ورددها ينفرون ويذهبون فإذا فرغ منها عادوا يستمعون (۱۱).
۸۵ عن عيسى بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن علي ع قال بلغه أنّ أناساً ينزعون بسم الله الرحمن الرحيم فقال: هي آية من كتاب الله أنساهم إياها الشيطان (۱۰۲/۱).	۲۵ محمّد بن علي، عن عيسى بن عبد الله، عن أبيه، عن جدّه، عن علي بن أبي طالب صلوات الله عليه قال: بلغه أنّ أناساً يتركون بسم الله الرحمن الرحيم فقال: هي آية من كتاب الله عزَّ وجلَّ أنساهم إياها الشيطان (۱۱).
۲۵۳۱ عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله (ع) قال: كان رسول الله ص إذا صلى بالناس جهر ببسم الله الرحمن الرحيم فيخلف من خلفه من المنافقين عن الصفوف فإذا جازها في السورة عادوا إلى مواضعهم، وقال بعضهم لبعض، إنه ليردد اسم ربه تردداً إنه ليحب ربه فأنزل الله «وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على أديبارهم نفوراً» (۵۶/۳).	۲۷ علي بن الحكم، عن داود بن النعمان، عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا صلى بالناس جهر ببسم الله الرحمن الرحيم (فتخلف) من خلفه من المنافقين عن الصفوف فإذا جازها وأخذ في السورة عادوا إلى مواضعهم وقال بعضهم لبعض: إنه ليردد اسم ربه تردداً، إنه ليحب ربه، فأنزل الله جلَّ ذكره وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّاعِلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا [۴۶: ۱۷] (۱۲).

این میزان مشابهت می‌تواند احتمال اشتراک منبع مکتوب این احادیث را بالا ببرد؛ با این حال، روشن است که صرف چنین مشابهتی نمی‌تواند نشان دهد که کتاب سیاری، خود، منبع عیاشی بوده و ممکن است هر دوی آن‌ها از منبع مکتوب مشترکی بهره برده

باشند؛ از این روی، لازم است مصدر مکتوب سیاری در این روایات شناخته شود تا معلوم شود که آیا عیاشی می‌توانسته از آن مصدر استفاده کند یا لازم بوده از کتاب القراءات بهره‌مند شود. گفتنی است که با توجه به کثرت تعلیق‌ها و نقل‌های مرسل در کتاب القراءات سیاری باید در تعیین شیخ بلاواسطه او دقت کرد.

روایت ۲۳ و روایت ۲۴ ظاهراً بر روایت دیگری، معلق نیست؛ چه اینکه سهل بن زیاد از مشایخ مستقیم سیاری است و از او در کتاب القراءات با تعبیر حدّثنا روایت کرده است: «السیاری قال: حدّثنا سهل بن زیاد» (سیاری، کتاب القراءات، ۵۸؛ نیز نگر: ۶۲، ۱۴۹، ۱۹۶، ۲۰۱) و در برخی دیگر از مصادر نیز از او روایت کرده (ابن همام، طب الأئمة الصادقین، ۱/۲۴۱) و البته سهل خود نیز از سیاری روایت می‌کند (کلینی، الکافی، ۱۲/۴۱۵؛ ۱۳/۲۴۱). همچنین محمد بن خالد برقی از پرتکرارترین مشایخ سیاری در کتاب القراءات است.

روایت ۲۶ از ابوسمینه - با توجه به اینکه در کتاب القراءات با واسطه برقی از ابوسمینه روایت شده (سیاری، کتاب القراءات، ۱۳۸، ۱۶۷)، ممکن است معلق بر برقی باشد. در روایت ۲۷ نیز روشن نیست که علی بن حکم، شیخ مستقیم سیاری باشد، به ویژه که در جایی با واسطه «محمد بن خلف» از او روایت می‌کند (سیاری، کتاب القراءات، ۱۰). همچنین گفتنی است که محمد بن خالد برقی نیز از علی بن حکم روایت کرده است (نمونه: برقی، المحاسن، ۲/۳۰۰، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۵۹).

روایت ۲۴ که از برقی است و روایات ۲۵ و ۲۶ نیز احتمال می‌رود معلق بر روایت برقی باشد. روایاتی که در این کتاب از برقی آمده، به احتمال زیاد باید از «کتاب التنزیل والتعبیر» و یا به احتمال کمتر از «کتاب التفسیر» محمد بن خالد برقی (نجاشی، رجال النجاشی، ۳۳۵) گرفته شده باشد؛ از این روی، ضرورتی ندارد که منبع عیاشی در این

۱. سند این روایت چنین است: «روی السیاری عن محمّد بن سعید الآدمی عن ابن ابي نصر عن الرضا». «محمد بن سعید الآدمی» در این سند باید «ابی سعید الآدمی» - یا همان سهل بن زیاد - باشد؛ چه اینکه در اسناد روایت شیعی و کتب رجال محمد بن سعید آدمی ای دیده نمی‌شود و اگر لقب آدمی را هم کنار بگذاریم، باز «محمد بن سعید» نامی در مشایخ سیاری و نه در شاگردان احمد بن محمد بن ابی نصر بنظری دیده نمی‌شود، اما از سویی هم سهل بن زیاد در مشایخ سیاری در کتاب القراءات آمده و هم از جمله شاگردان پروایت ابن ابی نصر بنظری است.

روایات، کتاب سیاری باشد و می‌تواند منبع او کتاب برقی - یا کتابی مرتبط با کتاب او - باشد، اگرچه برگرفته بودن از کتاب سیاری نیز همچنان محتمل است.

روایت ۲۳ سیاری نیز در تفسیر عیاشی از حسن بن خرزاد نقل شده و بر این اساس، آشکارا از خود کتاب سیاری گرفته نشده است. حسن بن خرزاد نیز باید حدوداً در طبقه سیاری و سهل بن زیاد باشد؛ چه اینکه صاحب نوادر الحکمة از او روایت می‌کند (طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۴۲/۱) و جبرئیل بن احمد فاریابی که شیخ عیاشی است، از او روایت می‌کند (ابن بابویه، علل الشرائع، ۱۶۱/۱) و کثی با یک واسطه از او روایت می‌کند (کشی، رجال الکشي، ۳۴۲). خود عیاشی نیز در تفسیرش با واسطه جبرئیل بن احمد از حسن بن خرزاد روایت کرده است (حسکانی، شواهد التنزیل، ۴۵۲/۲).

البته حسن بن خرزاد نیز ظاهراً نمی‌تواند روایتش را از کتاب القراءات گرفته باشد یا طریق عیاشی به کتاب القراءات باشد؛ چه اینکه هیچ نقلی از او از سیاری در مصادر حدیثی شیعه دیده نمی‌شود. همچنین اگر او در طریق کتاب سیاری بوده باشد، باید سند اصلی عیاشی چنین می‌شد: «قال الحسن بن خرزاد: روی السیاری عن سهل بن زیاد عمّن أخبره» و بر اساس دأب ناسخ این کتاب (نمونه: عیاشی، تفسیر العیاشی، ۸۹/۱، ح ۴۶)، باید اختصار این سند چنین می‌شد: «عن سهل بن زیاد عمّن أخبره»، نه «قال الحسن بن خرزاد: وروی».

بر این اساس، در روایت ۲۳ سیاری که یکی از احادیثی است که بالاترین مشابهت متنی را میان کتاب‌های سیاری و عیاشی دارد، -خوشبختانه به دلیل مرسل بودن ادامه روایت- نام شیخ نخست عیاشی ذکر شده و آن شیخ، سیاری نیست. بر همین پایه، در دیگر مواردی هم که مشابهت بالاست -اما شیخ نخست عیاشی به دلیل حذف شدن نامش، معلوم نیست- مادامی که شواهد دیگری ضمیمه نشود، نمی‌توان گفت که الزاماً روایت را عیاشی از سیاری برگرفته است.

## ۲. تفاوت‌های نقل سیاری با عیاشی

به نظر می‌رسد برای سنجیدن احتمال تأثیرپذیری مستقیم عیاشی از کتاب القراءات، مناسب باشد به تفاوت‌های (اسنادی و متنی) روایات مشترک میان این دو کتاب هم

توجه کرد؛ بدین منظور، در ادامه روایاتی از تفسیر عیاشی می‌آید که مشابهت متنی بالایی با روایاتی از کتاب القراءات دارد، اما تفاوت‌های جزئی میان این دو کتاب ممکن است پرسش‌هایی درباره احتمال اثرپذیری عیاشی از سیاری بیافریند:

کتاب القراءات سیاری	تفسیر عیاشی
۹ سیف، عن غیر واحد، عن ابي عبد الله عليه السلام أنه قال: لو ترك القرآن كما أنزل لألفينا فيه مسمين كما سمي من كان قبلنا.	۴۶ عن داود بن فرقد عمّن أخبره عن أبي عبد الله (ع) قال لو قد قرئ القرآن كما أنزل لألفينا فيه مسمين.
۱۴ حماد بن عيسى، عن إبراهيم بن (عمر) قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن القرآن فيه خبر ما مضى وما يحدث وما كان وما هو كائن وكانت فيه أسماء الرجال فألقيت.	۴۷ وقال سعيد بن الحسين الكندي عن أبي جعفر (ع) - بعد مسمين - كما سمي من قبلنا (۸۹/۱).
۹۵ وقال في آخر البقرة: كانت من الله عز وجل مشافهة إلى نبيه صلى الله عليه وآله لم يكن بينهما رسول.	۴۱ عن إبراهيم بن عمر قال: قال أبو عبد الله (ع): إن في القرآن ما مضى وما يحدث وما هو كائن، كانت فيه أسماء الرجال فألقيت، وإنما الاسم الواحد منه في وجوه لا تحصى يعرف ذلك الوصاة هو كائن وكانت فيه أسماء رجال فألقيت. (۸۸/۱).
۱۱۵ البرقي، عن (ابن) محبوب، عن هشام بن سالم، عن حبيب السجستاني، عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ فقال: كيف يؤمن بعيسى (موسى) وينصره ولم يدركه، وكيف يؤمن بعيسى بمحمد (ص) وينصره ولم يدركه؟ فقال: يا حبيب إن القرآن قد طرح منه أي كثيرة ولم يزد فيه إلا حروف أخطأت بها الكتبة وتوهمها الرجال، وهذا وهم فقرأها «وإذ أخذ الله ميثاق أمم النبيين لما آتيتكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه» فكيف يؤمن موسى بعيسى وينصره ولم يدركه، وكيف يؤمن عيسى بمحمد وينصره ولم يدركه؟ ثم قال: يا حبيب إن القرآن قد طرح منه أي كثير ولم يزد فيه إلا حروف أخطأت بها الكتاب وتوهمها الرجال، وهذا وهم فقرأها «وإذ أخذ الله ميثاق أمم النبيين لما آتيتكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه» هكذا أنزلها الله يا حبيب، فوالله ما وقت أمة من الأمم التي كانت قبل موسى بما أخذ الله عليها من الميثاق لكل نبي بعثه الله بعد نبيها، ولقد كذبت الأمة التي جاءها موسى لما جاءها موسى ولم يؤمنوا به ولا نصره إلا القليل منهم ولقد كذبت أمة عيسى بمحمد (ص) ولم يؤمنوا به ولا نصره لما جاءها إلا القليل منهم. ولقد جحدت هذه الأمة بما أخذ عليها رسول الله (ص) من الميثاق لعلي بن أبي طالب (ع) يوم أقامه للناس ونصبه لهم ودعاهم إلى ولايته وطاعته في حياته، وأشهدهم بذلك على أنفسهم، فأبي ميثاق وأكد من قول رسول الله (ص) في علي بن أبي طالب (ع)؟ فوالله ما وفوا به بل جحدوا وكذبوا (۳۱۵-۳۱۷).	

روایت ۹ سیّاری به سند «سیف، عن غیر واحد» و روایت ۴۶ و ۴۷ عیاشی به سند «عن داود بن فرقد عمّن أخبره» و «قال سعید بن الحسین الکندی» با متنی بسیار نزدیک به متن سیّاری نقل شده است. مشابه این متن را نیز شیخ مفید، مرسل از امام صادق (ع) نقل کرده است: «قال جعفر بن محمد الصادق ع أما والله لو قرئ القرآن كما أنزل لألفيتمونا فيه مسّمين كما سمّي من كان قبلنا» (مفید، المسائل السرورية، ۷۹). علامه عسکری روایت ۴۶ عیاشی را برگرفته از سیّاری می‌داند (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۱۳۲/۳).

اگرچه با توجه به اینکه سیف بن عمیره از داود بن فرقد روایت می‌کند (درایة النور، نسخه ۱/۲). ممکن است یکی از مصادیق «غیر واحد»، داود بن فرقد باشد، اما به هرحال سیّاری نه به نام او و نه به نام سعید بن حسن کندی تصریح نکرده و از این رو، عیاشی نمی‌توانسته این روایت را با واسطه یا بی‌واسطه از کتاب القراءات گرفته باشد. مهم‌تر آنکه عیاشی این روایت را از دو طریق به دست آورده که در یکی از آن دو «کما سمّي من قبلنا» نیامده و عیاشی این تفصیل را تذکر می‌دهد، تفصیلی که در کتاب سیّاری نیست.

روایت ۱۴ سیّاری با روایت ۴۱ عیاشی مشابهت متنی بالایی دارد و هر دو هم از ابراهیم بن عمر نقل شده است. علامه عسکری این روایت عیاشی را برگرفته از سیّاری می‌داند (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۱۳۲/۳)؛ با این حال، نقل عیاشی عبارت بلندی افزون بر نقل سیّاری دارد که نشان می‌دهد نمی‌تواند منبعش کتاب القراءات باشد. همین متن عیاشی در بصائر الدرجات نیز با سند «حدثنا أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن سعید، عن حماد بن عیسی، عن ابراهیم بن عمر» آمده (صفا، بصائر الدرجات، ۴۴۲/۱) و حضورنداشتن سیّاری در این سند، می‌تواند مؤیدی دیگر بر استقلال منبع عیاشی از کتاب سیّاری باشد.

در روایت ۹۵ سیّاری آمده که امام درباره (آیات) آخر سوره بقره گفتند که این (آیات) گفتگوی مستقیم خدا با پیامبر (ص) بوده است. عین این متن در هیچ مصدر دیگری یافت نشد، جز اینکه در روایت ۶۳۶ عیاشی تفصیل روایت امام صادق (ع) در این موضوع، به صورت کامل آمده و معلوم می‌شود سیّاری یا مصدر او این روایت را در منبعی دیده و از آن گزارشی مختصر داده است. عیاشی در این روایت - که با این متن در میان کتب در دست در غیر از کتاب القراءات یافت نمی‌شود - به روشنی نه از اصل کتاب القراءات که از مصدری مستقلّ از او بهره برده است.

روایت ۱۱۵ سیاری از حبیب سجستانی حدوداً هشتاد و اژه دارد که با مشابهت بسیار بالایی در روایت ۷۲ عیاشی از حبیب سجستانی دیده می‌شود. این روایت در مصدر دیگری یافت نشد. علامه عسکری نیز این روایت را از جمله روایاتی می‌داند که عیاشی آن را از سیاری گرفته است (عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۳/ ۱۳۳، ۳۰۷)؛ این در حالی است که روایت عیاشی در ادامه، متنی حدوداً ۱۱۰ واژه‌ای دارد که در روایت سیاری نیامده است. احتمالاً به دلیل آنکه سیاری گاه روایات را تقطیع می‌کند و به آوردن بخش مرتبط با اختلاف قرائات بسنده می‌کند. بر همین اساس، به روشنی نمی‌تواند منبعش کتاب القراءات باشد.

در اصل وجود ریشه مکتوب میان این دو روایت در طبقات پیشین، تردیدی نیست، ولی هنگامی که در روایتی با چنان مشابهت متنی بالایی، شواهد حاکی از آن است که مصدر عیاشی، کتاب القراءات سیاری یا مصدری متأثر از آن نیست، طبیعی است که در سایر روایاتی که چنین دلیلی برای آن‌ها یافت نشود نیز، نتوان حکم به برگرفته بودن آن روایات از کتاب القراءات کرد.

۱۳۹

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

### ۳. امکان روایت‌گری عیاشی از سیاری

محمد بن مسعود عیاشی در رجال نجاشی با وصف «السمرقندی» یاد شده و آن‌گاه چنین توصیف شده: «ثقة صدوق عين من عيون هذه الطائفة وكان يروي عن الضعفاء كثيراً» و درباره او گفته شده که در جوانی، شیعه شده و از اصحاب علی بن حسن بن فضال و عبد الله بن محمد بن خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفی و بغدادی و قمی حدیث شنیده است (نجاشی، رجال النجاشی، ۳۵۰). شیخ طوسی نیز گفته که عیاشی از اهل سمرقند بوده و او را چنین وصف کرده: «جليل القدر واسع الأخبار بصير بالرواية مطلع عليها» (طوسی، الفهرست، ۳۹۶) و البته سخنی از اکثار او از ضعفاء نگفته است.

همچنین در رجال نجاشی در مدخل جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی گفته شده که عیاشی از او روایت می‌کند و عیاشی راوی مستقیم عبد الله طیالسی دانسته شده و گفته شده که عیاشی بسیار از حسین بن اشکیب (مقیم کَش و سمرقند) روایت کرده و بر او اعتماد کرده و پرسش عیاشی از استادش علی بن حسن بن فضال بازتاب یافته است (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۲۱، ۲۱۹، ۴۴، ۳۶). این مشایخ در اسناد روایات و سائل

الشیعة نیز در کنار محمد بن نصیر کَشّی و علی بن محمد بن فیروزان قمی (مقیم کَشّ) پرتکرارترین مشایخ عیاشی هستند (درایة النور، نسخه ۱،۲) و همگی اینان - به جز ابن فضال و طیالسی - در حوزه خراسان حضور داشته‌اند و این لیست نشان می‌دهد که عیاشی - همان‌گونه که از اهل سمرقند است - بیشترین سماع حدیثش در خراسان - به ویژه در کَشّ و سمرقند - و البته در کوفه رخ داده است.

در مقابل احمد بن محمد سیّاری که در طبقه مشایخ عیاشی است و انتظار می‌رود اگر عیاشی بخواهد از او روایت کند، بی‌واسطه یا نهایتاً با یک واسطه از او روایت کند، بصری (برقی، الرجال، ۶۱؛ طوسی، الفهرست، ۵۷؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۸۰)، قمی (ابن غضائری، الرجال، ۴۰)، و اصفهانی (کشی، رجال الکشی، ۶۰۶) دانسته شده است.

پرتکرارترین مشایخ سیاری در کتب اربعه نیز عبارت‌اند از: بعض البغدادیین، محمد بن جمهور (بصری)، ابوسمینه (کوفی)، ابویعقوب بغدادی، و علی بن اسباط (کوفی) (درایة النور، نسخه ۱،۲). همچنین از جمله راویان ابتدای اسناد در کتاب القراءات که - در جایی دیگر از کتاب، با واسطه از ایشان نقلی نیامده - می‌توان به اینان اشاره کرد: محمد بن خالد برقی (قمی)، محمد بن جمهور، سهل بن زیاد (رازی)، عبد الرحمن بن ابی نجران (کوفی)، منصور بن عباس (رازی و بغدادی)، قاسم بن حسن راشدی، یعقوب بن یزید (انباری و بغدادی).

روایت سیاری نیز در کتب اربعه به ترتیب تکرار عبارت‌اند از: محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری (قمی)، حسین بن محمد بن عامر اشعری (قمی)، علی بن محمد بن بندار (قمی)، ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی، عبدالله بن جعفر حمیری (قمی)، موسی بن حسن بن عامر اشعری (قمی)، احمد بن محمد بن خالد برقی (قمی)، سهل بن زیاد رازی، و معلی بن محمد بصری (درایة النور، نسخه ۱،۲).

بر پایه آنچه گذشت، روشن شد که دلیلی نیست بر آنکه سیاری نه در دوران تحمّل حدیثش و نه در دوران ادای حدیثش به خراسان رفته باشد و بیشتر شاگردان او قمی هستند و عیاشی نیز عمدتاً از اساتید سمرقندی و کَشّی و کوفی تحمّل حدیث کرده و دلیلی بر حضور سیاری و عیاشی در یک زمان در یک حوزه حدیثی نیست و تنها می‌توان به این نکته توجه داشت که وی در روزگار امام حسن عسکری (ع)، کاتب آل طاهر - که در خراسان بوده‌اند - بوده است (طوسی، الفهرست، ۵۷؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۸۰) و

احتمالاً مدتی را در آنجا سپری کرده است، اما در میان مشایخ و شاگردان او خراسانی‌ای دیده نمی‌شود مگر یک نفر که اتفاقاً او تنها شیخ مشترک سیاری و عیاشی است: ابراهیم بن محمد بن فارس نيسابوری (کشی، رجال الکشي، ۲۹، ۲۰۰، ۳۶۱، ۴۵۵).

البته در تمام آنچه از میراث سیاری در دست است، سیاری تنها یک روایت از او دارد که در ابتدای آن نیز تصریح به طریق تحمّل حدیث از او نکرده است (سیاری، کتاب القراءات، ۱۹۸) و با در نظر گرفتن «کثیر المراسیل» بودن سیاری (طوسی، الفهرست، ۵۷؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۸۰)، احتمال وجده‌ای بودن این نقل هست؛ با این حال، این نقل می‌تواند شاهی ضعیف بر حضور سیاری و عیاشی در یک حوزه حدیثی به شمار آید. البته لازم به ذکر است که استفاده عیاشی از شاگردان سیاری - هرچند در نقل از غیر سیاری - یافت نمی‌شود.

#### ۴. اسانید باقی‌مانده عیاشی و سیاری

جدای از تفسیر عیاشی که دچار حذف اسناد شده، نزدیک به سیصد روایت یا گزارش - غالباً مسند - از عیاشی در اختیار رجال الکشي موجود است و در دیگر مصادر شیعه نیز روایات مسند متعددی از او به چشم می‌خورد (فهرستی از اسناد عیاشی را بنگر در: عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۷۵-۲۳۲، اسانید العیاشی) و از سیاری نیز - بر اساس شمارش نویسنده - جدای از کتاب القراءات، حدود دویست روایت در مصادر شیعه تا پایان قرن هفتم وجود دارد؛ در این میان، مطلقاً هیچ روایتی دیده نمی‌شود که عیاشی بی‌واسطه یا با واسطه از سیاری نقلی کرده باشد.

مهم‌تر آنکه در شواهد التنزیل حسکانی (د. ۴۹۰ ق) بیش از سی روایت - غالباً مسند - تفسیری از عیاشی آمده است. در این روایات مشایخ مستقیم عیاشی عبارت‌اند از: نصر بن احمد (حسکانی، شواهد التنزیل، ۱/ ۳۰)، ابوبهر محمد بن نصر (همان، ۱/ ۳۸)، محمد بن نصیر (همان، ۱/ ۴۷، ۱۷۸، ۲۶۸/ ۲؛ ۴۳۰)، علی بن محمد (همان، ۱/ ۷۹؛ ۱۶۰/ ۲)، حمدویه (همان، ۱/ ۱۳۴)، جعفر بن احمد (همان، ۱/ ۱۳۴، ۱۷۳، ۱۸۷؛ ۲/ ۳۵۸، ۴۲۶، ۴۵۱)، محمد بن حاتم (همان، ۱/ ۱۸۳، ۵۵۹)، حمدان بن احمد قلانسی (همان، ۱/ ۱۹۱)، سلمة بن محمد (همان، ۱/ ۲۲۳)، سهل بن بحر (همان، ۱/ ۲۵۵)، علی بن محمد قاشانی (همان، ۱/ ۳۵۱)، محمد بن یزید (همان، ۱/ ۳۵۶)، ابوالعباس بن مغیره (همان، ۱/ ۴۲۲)، علی بن ابی‌علی (همان، ۱/ ۴۲۲)، نصر بن محمد بغدادی (همان، ۱/ ۴۸۱)، علی بن جعفر بن عباس خزاعی (همان، ۱/ ۵۵۸)،



حسین (همان، ۲/۲۷۳)، فتح بن محمد (همان، ۲/۲۷۰)، ابواحمد محمد بن احمد بن روح طرطوسی (همان، ۲/۴۰۳)، اسحاق بن محمد بصری (همان، ۲/۴۱۷). در اسناد هیچ‌یک از این روایات نیز نام سیّاری - در هیچ کجای سند - دیده نمی‌شود.

حسکانی در بخشی از این روایات نیز تصریح می‌کند که روایت را از تفسیر عیاشی آورده است (همان، ۱/۲۲۳، ۳۵۱، ۳۵۶، ۵۵۸، ۱۶۰/۲، ۲۳۳، ۲۷۳، ۳۵۸، ۴۱۷). این روایات می‌تواند نمونه‌ای - هرچند کوچک - از تفسیر عیاشی قبل از حذف اسناد و افتادن نیمه دوم کتاب باشد. در حدّ این بخش، عیاشی هیچ استفاده‌ای از سیّاری - نه از کتاب القراءات او و نه حتی از تفسیر او و دیگر آثارش (نگر: طوسی، الفهرست، ۵۷؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۸۰) - نکرده است؛ چه اینکه نام سیّاری در هیچ‌یک از اسناد این روایات نیامده است.

همچنین مشابهت جالبی در روایات مسند ذیل آیه ۷ سوره شرح در شواهد التنزیل از عیاشی با کتاب القراءات دیده می‌شود که نکاتی می‌تواند داشته باشد:

کتاب القراءات سیاری	شواهد التنزیل به نقل از عیاشی
۶۶۵ وعن غیر واحد من أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قوله تعالى فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ، كان رسول الله صَلَّى الله عليه وآله حاجًّا فنزلت فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ عَلَيَّا لِلنَّاسِ [۷:۹۴].	۱۱۱۶ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مَوْسَى بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ بْنِ مُحَمَّدٍ، [قال: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، قال: حَدَّثَنِي حَمْدَانُ وَالْعَمْرِيُّ، عن العبيدي عن يونس، عن زرعة، عن سماعة، عن أبي بصير عن أبي عبد الله [في قوله تعالى: فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ قال: يعني علياً، للولاية. ۱۱۱۷ وبه عن يونس عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله في قوله تعالى: فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ يعني علياً، للولاية.
۶۶۶ وروى بعض أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ نُبُوتِكَ فَأَنْصِبْ خَلِيفَتَكَ [۷:۹۴] يعني أمير المؤمنين.	۱۱۱۸ حَدَّثَنَا جَبْرِئِيلُ بْنُ أَحْمَدَ، قال: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ خَزْزَادٍ، قال: حَدَّثَنِي غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [في قوله تعالى: فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ] قال: [يعني] فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ عَلَيَّا لِلنَّاسِ.
۶۶۷ ابن سيف، عن أخيه، عن أبيه، عن هارون بن خارجة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نزلت هذه الآية على رسول الله صَلَّى الله عليه وآله في غزاة تبوك فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ مُشَدَّدة [۷:۹۴] - فانصب) فانصب] قال: يعني فارجع إلى المدينة.	۱۱۱۹ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ، عن العباس، عن عبد الرحمن بن حماد، عن الفضل <sup>۱</sup> ، عن أبي عبد الله في قول الله تعالى: فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ عَلَيَّا لِلْوَلَايَةِ [۷:۹۴] (۱۸۴-۱۸۵).

۱. به نظر می‌رسد با توجه به روایت ۶۶۸ سیّاری و روایت المحیط از نوارد الحکمة که در ادامه می‌آید، «المفضل» درست باشد، نه «الفضل».

اگر فرض شود که حاکم حسکانی ذیل این آیه، تمام روایاتی را که عیاشی آورده، بازتاب داده باشد، این نقل‌ها نیز می‌تواند مشکلی دیگری برای فرضیه استفاده حداکثری عیاشی از کتاب القراءات سیاری باشد؛ زیرا سیاری چهار روایت در همین مضمون داشته و در میان آن‌ها سند «هارون بن خارجه عن ابي بصير» و «علي بن الصلت عن المفضل بن عمر» هست که عیاشی آن دو را از جای دیگری نیاورده و با این حال، به کلی در این بخش از سیاری روایتی نقل نکرده است.

همچنین در حد این چهار روایت عیاشی می‌توان تصویری از برخی منابع عیاشی در قرائات داشت:

روایت ۱۱۱۶ و ۱۱۱۷ را عیاشی با واسطه جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی از عمرکی بن علی نيسابوري و حمدان بن سليمان نيسابوري از محمد بن عيسى (بغدادی) از یونس بن عبد الرحمن روایت می‌کند و سند دو روایت از یونس منشعب می‌شود. احتمالاً مصدر این روایت، کتاب تفسیر القرآن یونس یا به احتمال کمتر کتاب الإمامة یونس (نجاشی، رجال النجاشی، ۴۴۷-۴۴۸) و یا تفسیر القرآن محمد بن عیسی (طوسی، الفهرست، ۴۰۲) باشد که از طریق مشایخ خراسانی اش به او رسیده است. عیاشی به همین طریق از یونس به اسناد او از امام صادق (ع) روایتی در مدح عمّار و ذمّ عثمان نقل کرده که در آن روایت، اشاره به نزول آیاتی درباره این دو می‌کند (کشی، رجال الکشی، ۳۱-۳۲). این روایت را نیز می‌توان از همین مصدر دانست.

روایت ۱۱۱۸ را عیاشی از جبرئیل بن احمد فاریابی (مقیم کَش) از حسن بن خرزاد قمی نقل می‌کند که احتمالاً عیاشی آن را از یکی از کتب حسن بن خرزاد برگرفته باشد؛ چنانکه در بخش ۱ نیز گذشت که عیاشی روایت ۸۰ تفسیرش را از حسن بن خرزاد آورده و سند آن روایت از حسن بن خرزاد به بعد، به احتمال زیاد، در اصل تفسیر عیاشی نیز صریحاً نیامده است.

روایت ۱۱۱۹ را عیاشی از علی بن محمد بن فیروزان قمی (مقیم کَش) از محمد بن احمد صاحب نوارد الحکمة - از عباس بن معروف از عبد الرحمن بن حمّاد از مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می‌کند. به نظر می‌رسد علی بن محمد، طریق عیاشی به نوادر الحکمة باشد؛ زیرا در اختیار رجال الکشی از عیاشی حدود چهل روایت از علی بن محمد از محمد بن احمد نقل شده که سند آن‌ها، بعد از محمد بن احمد منشعب

می‌شود (نمونه: کشی، رجال الکشي، ۳۹، ۴۴، ۶۸، ۱۳۳، ۱۵۲، ۱۶۷). همچنین می‌دانیم نوادر الحکمة جامعیت خوبی داشته (نگر: نجاشی، رجال النجاشی، ۳۴۹) و بر پایه گزارش‌های المحيط بالإمامة روایاتی از نوادر الحکمة یافت می‌شود که مضامین تفسیری-امامتی داشته است؛ از آن جمله، روایتی است که هم متن بسیار نزدیکی با روایت مورد بحث ما دارد و هم راوی آن مفضل است:

ومن کتاب نوادر الحکمة لأبي جعفر القمي من باب «الإمامة والولاية» عن المفضل عن أبي عبد الله: «إذا فرغت فانصب» يعني ولاية علي، فانصب علياً للولاية (حسین پوری، «بازمانده‌هایی از میراث کهن حدیثی امامیه»، ۲۵۴، به نقل از: المحيط فی الإمامة).

بر این اساس، در حدّ این چهار روایت اختلاف قرائات که به سند کامل از عیاشی برجای مانده، مصدر وی در این روایات، افزون بر آنکه کتاب القراءات سیاری نیست، حتی کتاب محمد بن خالد برقی-مصدر مهم سیاری در کتاب القراءات- یا کتاب معلی بن محمد بصری-مصدر مهم کلینی در باب نکت و نطف- هم نیست و دو روایت از آن، از طریق خراسانی‌ها به بغداد می‌رسد و دو روایت از آن از طریق خراسانی‌ها به قم می‌رسد.

## نتیجه

دلیل روشنی بر روایت کردن عیاشی از سیاری در دست نیست و ملاقات این دو و حتی حضورشان در حوزه حدیثی مشترکی، دلیل روشنی ندارد و در هیچ‌یک از اسناد باقی‌مانده از عیاشی-از جمله روایات مسند باقی‌مانده از تفسیر او- صریحاً نامی از سیاری دیده نمی‌شود. همچنین در برخی از روایات عیاشی که مشابهت متنی بالایی با روایات سیاری دارد، دلایلی چون زیادات متنی قابل توجه، تفاوت اسناد، و تفصیل در متن در روایات عیاشی نسبت به روایات سیاری هست که نشان می‌دهد عیاشی این روایات را از کتاب القراءات سیاری نگرفته است؛ بر این اساس، تفسیر عیاشی، منبعی مستقل از کتاب القراءات سیاری به شمار می‌آید و روایات مشترک این دو کتاب را نمی‌توان بر ساخته سیاری انگاشت. همچنین با توجه به اینکه عمده مشایخ عیاشی، غیر قمی هستند، روایات مشترک این دو کتاب، کهن‌تر از دوران شکوفایی حوزه حدیثی قم باید به شمار آید و مرتبط با حوزه حدیثی کوفه دانسته شود که در نهایت در آثاری چون کتاب محمد بن خالد برقی، کتاب القراءات سیاری، کتاب معلی بن محمد، و تفسیر عیاشی سامان یافته است.

## منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ش.
- ابن همام، محمد بن همام اسکافی، طب الأئمة الصادقین، تحقیق مهدی جواد دلیری، کربلا، مجمع الإمام‌الحسین‌العلمی، ۱۴۴۴ق.
- ابو حیان توحیدی، علی بن محمد، أخلاق الوزیرین، تحقیق محمد بن تاویت طنجی، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۲ق.
- امین، سید محسن، أعیان الشیعة، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، الرجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
- حسکانی، عبیدالله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، مجمع‌احیاء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- حسین پوری، امین، «بازمانده‌هایی از میراث کهن حدیثی امامیه»، کتاب شیعه، شماره ۱۳ و ۱۴، ۱۳۹۵ش.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی و نوری، شهلا، «قرائات منسوب به اهل بیت (ع) در تفسیر مجمع البیان»، قرائت پژوهی، سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
- رحمتی، محمد کاظم، «تفسیر عیاشی»، دانشنامه جهان اسلام، جلد هفتم، ۱۳۹۳ش.
- سیاری، احمد بن محمد، کتاب‌های سیرت، تحقیق: اتان کلبرگ و محمد علی امیرمعزی، لیدن: بریل.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، أمالی المرتضی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۹۹۸م.
- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

صقار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات؛ في علوم آل محمد عليهم السلام، تحقيق محمد كاظم محمودی، اصفهان، دفتر تبليغات اسلامي، ۱۳۹۶ ش.

طوسی، محمد بن حسن، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، تحقيق سيد عبد العزيز طباطبائي، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ ق.

عسكري، مرتضى، القرآن الكريم وروايات المدرستين، قم، كلية أصول الدين، ۱۳۷۴ ش.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۲۱ ق.

کرمی‌نیا، مرتضی، «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن؛ نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیان»، علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۵ ش.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشي، اختیار محمد بن حسن طوسی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المسائل السرورية، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

موسوی دارابی، سید علی، النص الخالد؛ لم ولن یحرف، به اشراف محمد واعظزاده خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۴۳۵ ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشي، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.

نوری، میرزا حسین بن محمد تقی، فصل الخطاب؛ في إثبات تحریف کتاب ربّ الأرباب، تحقیق احمد کاظم اکوش، بیروت، مؤسسه الانتشار العربي، ۲۰۲۱ م.